

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استرالیا
۲۰ جنوری ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

اشباح پاکستانی و کنترول افغانستان

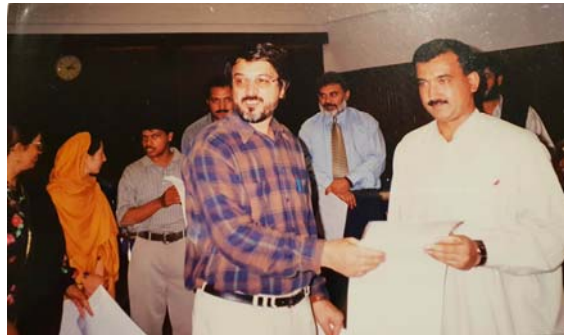
در زبان انگلیسی Iceberg کلمه ای است که به کتله های عظیم یخ که از مناطق نزدیک به قطب شمال به بحر شناور می گردند، می گویند. قسمت اعظم این کتله های بزرگ یخ در زیر آب می باشند و قسمت روی آب آن را که متناسباً خیلی کوچکتر به چشم می خورد Tip of Iceberg یا به اصطلاح ما برجستگی کنده یخ [قله کوه یخ] می گوئیم . آنچه از مفاهیم و پرابلم های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی جامعه ما بیان می گردد و یا احساس می گردد، فقط قسمت برجستگی بالای آب کنده های یخ اند، در حالی که قسمتی که در زیر آب است و مکشوف نیست به مراتب بزرگتر از آن است .

روز قبل مطلب تاریخی جالبی را در ارتباط با نقش انگلیس ها در بر اندازی حکومت امان الله خان توسط حبیب الله خان (سقا زاده) و حمله قوت های مورد حمایت انگلیس ها به رهبری نادر خان از جنوب برای بر اندازی اداره نه ماهه حبیب اله خان و تأسیس حکومت به رهبری خود و برادرانش، خواندم. دو نفری که یکی گادی وان و دیگری ترجمان انگلیسی و هندی الاصل بودند همراکاب نادر خان به کابل می آیند و تا رتبه وزیر و سفیر می رسند. وقتی نادر خان به کابل می آید و ارگ را تصرف می کند، خزانه را خالی می یابد و به وعده اش برای تمویل خان ها و رؤسای قبائل نائل نمی گردد و در مقابل دستور چور و چپاول شمالی را به ایشان می دهد .

نکته ای که می خواهم به آن بپردازم اینست که بلا تکلیف گذاشتن سرحدات جنوب کشور بیشتر از این که منفعتی برای جغرافیای فعلی کشور ایجاد نماید، دست درازی های خارجی را مشروعیت داده است. من من حیث یک افغان پشتون تبار می خواهم اذعان بدارم که زهر تلخ تقسیم اقوام و ساکنان اصلی سر زمین افغانها را باید حال نه بلکه وقتی باید احساس می کردیم که معاهده دیورند امضاء شد و در قرار داد استرداد استقلال کشور در مورد حاشیه سرحدی تذکری

به عمل نیامد. کنون نباید از کشور قبر ملا نصرالدین بسازیم. من حیث یک افغان به از دست دادن پنجاه در شمال غرب کشور نیز ناراحت می‌گردم ولی آن را از دست رفته می‌انگاریم.

در جریان حکومت چهل ساله اعلیحضرت محمد ظاهر خان، ارتشاء افرادی با هویت نه افغانی و نه پاکستانی در نظام و سیاست به طور مرموز صورت می‌گرفت که در زمان جمهوریت داوود خان اندکی آفتابی تر گردید. در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک این ارتشاء به طور گسترده انجام یافت و افراد آنطرف سرحد با تعلقات و نیات مشکوک شامل قدرت سیاسی و رهبری جامعه گردیدند. این افراد پس از سقوط حاکمیت دموکراتیک، دوباره به آنطرف خط رفتند و در نظام سیاسی آنطرف بدون کدام مانع شامل گردیدند. تعدادی ازین نوع افراد را در کراچی پاکستان در جریان یک کورس ترینگ در یونیورسیتی آغا خان ملاقات کردم. یکی ازین هم صنفی هایم کلیم الله نام داشت که داکتر طب بود و دیگری اسرار احمد نام داشت که موقف بلندی در اداره سیاسی محلی منطقه لوره لای داشت. داکتر کاسی و خانمش نیز در حکومت خلقی ها در کابل بودند. کلیم الله عضو مسلکی حزب دموکراتیک بود و در کمیته مرکزی اجرای وظیفه می‌کرد. اسرار احمد در ریاست کام وظیفه داشت (لطفاً به عکس در پایان نوشته توجه کنید، درین عکس من، داکتر حائل گرامی، کلیم الله و سرور که او هم در لوره لای کار می‌کرد، دیده می‌شویم، اسرار احمد هرگز حاضر به عکس گرفتن نشد) ...



با آمدن مجاهدین نه تنها افراد آنطرف خط بلکه پنجابی ها نیز شامل اداره و سیستم های سیاسی و نظامی گردیدند. حالات دردناکتر از آن گردید تا جایی که عده زیادی از افغانهای که طی سالهای اقامت در پاکستان عضویت سازمان استخبارات پاکستان را کسب نموده بودند، در تفاهم با بادران پاکستانی شان، آنچه را حکومت پاکستان ضرورت داشت به دست آورد و به اصطلاح پاکت های اسرار نظامی، سیاسی و غیره را با خاطر آسوده از مراجع مختلف چون ارشیف وزارت خارجه، احصائیه مرکزی و غیره به دست آوردند. رفته رفته نقش افغانهای بومی و متعهد به جغرافیائی به نام افغانستان در نظام و سیاست منتفی گردید و جامعه توسط اشباح پاکستانی تحت کنترل در آمد.

در زمان حاکمیت استخبارات امریکا و سایر شرکایش به رهبری حامد کرزی طبق بعضی احصائیه ها الی سه صد هزار پاکستانی در شهر های بزرگ کشور اشتغال داشتند. سیستم مالی و اقتصادی، وزارت مالیه و بانک ها بیشترین اتباع پاکستانی را در خود جا داده بودند. مؤسسات غیر حکومتی در بخش مالی شان چه در پشاور و چه هم در کابل پاکستانی ها را باید استخدام می‌کردند. در آن ان جی او که من در آن کار می‌کردم طارق سلمان منیجر بخش مالی و عثمان معاون او بود، کپتان صاحب افسر متقاعد مسؤل تدارکات بخش مالی بود.

با این حال شعار دادن به ضد پاکستان و حساسیت های فیسبوکی شاید نزد بعضی پاکستانی ها و مستخدمین افغانی شان خنده آور باشد

من در مورد نفوذ و ارتشاء افراد دست نشانده ایران مانند لطیف پدram و سایرین و عمق دسترسی آنها به منابع و مدارک کشور معلومات محدود در اختیار دارم.....